صوم از عشاء تا عشاء؛ شواهد انشاءات طولی در صوم

ببینید در اینکه این صوم چیست و چطور ما این ماهیت تعریف‌شده را داریم، خود این آیه شریفه که همه حفظ هستید مشخص می کند. می‌فرماید:

> «أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»[1]

آیه می فرماید: « وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» خب قبلش چیست؟ «أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ» ثُمَّ آنجا که «عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» بعد می فرماید «كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ... » در روایات، در اینجا دو دسته روایت هست؛ چون مانوس ما نیستند باید از نظر تاریخی کار بیشتری روی آنها شود. لسان یکی روایت می‌فرماید: «كان يصوم الرجل من عشاء إلى عشاء»[2]. قبل از نزول این آیه، روزه از شب تا شب بود. یعنی چه؟

شاگرد: بیست و چهار ساعت روزه بودند.

استاد: خُب اگر اینطور باشد باید یک ماه چیزی نخوردند!

شاگرد۲: یعنی سحری نداشتند.

استاد: احسنت. یعنی فقط افطار بود. روزه را تا وقت غروب می‌گرفتند؛ تا قبل از اینکه به خواب نرفته بودند مجاز بودند که بخورند. وقتی خواب می‌رفتند دیگر تمام بود. بعد از اینکه شب - قبل از خواب - گذشت دیگر تمام بود. پس صیام به این صورت بود؛ «من الليل الى الليل». این هم برای خودش یک ماهیت بود. اجزائی هم داشت که قابل تبعض نبود.

بعداً که حضرت آمدند...؛ آن انصاری آمد؛ بسیار خسته بود، تا رفتند افطار او را بیاورند به خواب رفته بود. بیدار شد و دید من خواب رفته‌ام و دیگر نمی‌توانم بخورم؛ دیگر وقت گذشت. لذا حضرت

فردا دیدند که ایشان خیلی پریشان است. فرمودند چه شده؟ گفتند دیشب اینطور شده؛ رفتند که افطار من را بیاورند به خواب رفتم و نتوانستم افطار کنم. یعنی نه افطاری خورده بود و سحری هم که نباید میخورد، لذا بی حال شده بود.

آیه شریفه نازل شد که از شما سختی «من اللیل الی اللیل» برداشته شده، حالا آیه به آن نازل شد «کلوا و اشربوا حتی یتبین». این «کلوا و اشربوا» بهدنبال آن نهی قبلی است. امر بهمعنای توهم حظر نیست؛ عقیب حظر قبلی است؛ قبلاً حظر بود، اما حالا «کلوا و اشربوا حتی یتبین»؛ یعنی حظر قبلی رفت.

این را برای چه عرض کردم؟ برای اینکه ببینید اینکه ارتکاز ما الآن از طلوع فجر تا غروب است، ارتکازی است که فعلاً جا گرفته است. و الا قابل شدت و ضعف و کم و زیادی است. قبلش بوده: «من اللیل الی اللیل». صیام آن بوده. بهخاطر رفع یک عسری، خدای متعال بخشی از این کل را تخفیف داده است؛ «فَتابَ عَلَیْکُمْ وَعَفا عَنْکُمْ». مفسرین در مورد عفوش هم دو-سه قول دارند.

شاگرد: یعنی اگر کسی میخورد روزه روز قبلش باطل میشد؟

استاد: روزه قبلش نه، روزه آتی، باطل بود. ولو از طلوع فجر میگرفت. یعنی افطار، سر شب مجاز بود. شروع روزه فردا از چه زمانی بود؟ از بعد از افطار مغرب بود. وقت مغرب که افطار کرد روزه فردا شروع میشد. با این جریان، شروع روزه فردا از طلوع فجر صادق شد.

شاگرد: تا نخوابیده؟

استاد: همین را عرض کردم باید بیشتر مطالعه کرد. در اینجا دارد که خوابید. در روایات دیگر دارد «من اللیل الی اللیل». اولی که من «من اللیل الی اللیل» را دیدم، این احتمال هم به ذهنم آمد، چون قید او که خواب نبود. بلکه خواب بهعنوان امارِه بود. مثلاً اگر کسی افطار میکرد و خواب نمی رفت. تا شش ساعت بعد هم بیدار بود و به وقت سحر میرسید، آیا مجاز بود که بخورد؟! نه. «من اللیل الی اللیل» از این ابا دارد. روزه از شب تا شب بود.

شاگرد: بعد از سحر، روز میشد.

استاد: وقتی سحر شد، او از شب روزه گرفته؟! «من» ابتدا است.

شاگرد: قبل از سحر باید امساک میکرد.

استاد: در آن زمان که هنوز آیه نیامده بود. آیه بعدش آمد. شما بعد از اینکه آیه آمده بود را میفرمایید. بعد از عرف قبل، آیه آمد «کلوا و اشربوا حتی یتبین». قبل از اینکه «کلوا و اشربوا» بیاید، «من اللیل الی اللیل» بود. شما این را چطور معنا میکنید؟ میگویید «الی اللیل» یعنی خواب نرود؟! خُب اگر کسی خواب نرفته و تا سحر بیدار بوده، مجاز بود که بخورد؟!

شاگرد۲: شاید نیمه شب شرعی بوده.

استاد: باز خلاف ظاهر «من اللیل الی اللیل» است. چون «من» ابتدا باید «من نصف اللیل» باشد. وقتی نصف مستقر میشود نیازمند به تصریح است. «الصوم من نصف اللیل الی اللیل».

شاگرد: این خیلی مناسب تقویم نیست. یعنی باید یک حدی بخورد.

استاد: بهترین حدی که من احتمال میدهم نماز عتمه – عشاء - است. میگویند مغرب را که خواندی بخوری. فاصله هم میاندازند. میگفتند در این فاصله افطار کنید، وقتی عتمه آمد، دیگر تمام است. وقتی نماز بعدی را خواندی وقت خواب است. لذا اول عرض کردم این دو تعبیر هست، اما از نظر تاریخی که عملاً چه اتفاقی میافتاد مقداری نیاز به تحقیق دارد.

در این روایتی که در مجمع[3] آمده میفرمایند همین که خواب رفت بعدش دیگر نمیتوانست بخورد. «لما نمت لایجوز لی ان آکل». در روایت دیگری دارد «كان يصوم الرجل من عشاء إلى عشاء». اما با این فروعاتش نمیدانم. باید بیشتر تحقیق شود. البته منظور من هم این نیست.

میخواستم این را عرض کنم: درست است که ماهیت صوم، یک ماهیت وضعیه است و موضوعی شرعی است که اقربیت و احکمت، مقتضای تعریف آن را دارد؛ و تعریف یک ماهیت هم وضعی است و اقل و اکثر ارتباطی است، اما آن چیزی که مهم است این است: ما از این ارتکاز و وضعی بودن صوم دست بر نمیداریم تا صوم را مطلقاً تکلیفی کنیم، اما با توجه به ادله شرعی زیادی که هست باید برگردیم و ببینیم تصور ما از وضعیت صوم بهعنوان یک موضوع، تصور جلیل مبهم بوده. دقتی در انواع وضع و ... نداشتیم، بعد که مثالهای متعدد پیدا کردیم میگوییم عجب! این همه گستردهاست!

---

[1] البقره ۱۸۷

[2] اسباب نزول القرآن، ص: ۵۴

[3] مجمع البيان في تفسير القرآن، ج۲، ص: ۵۰۳

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 15:48:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 15:50:16 توسط ... .